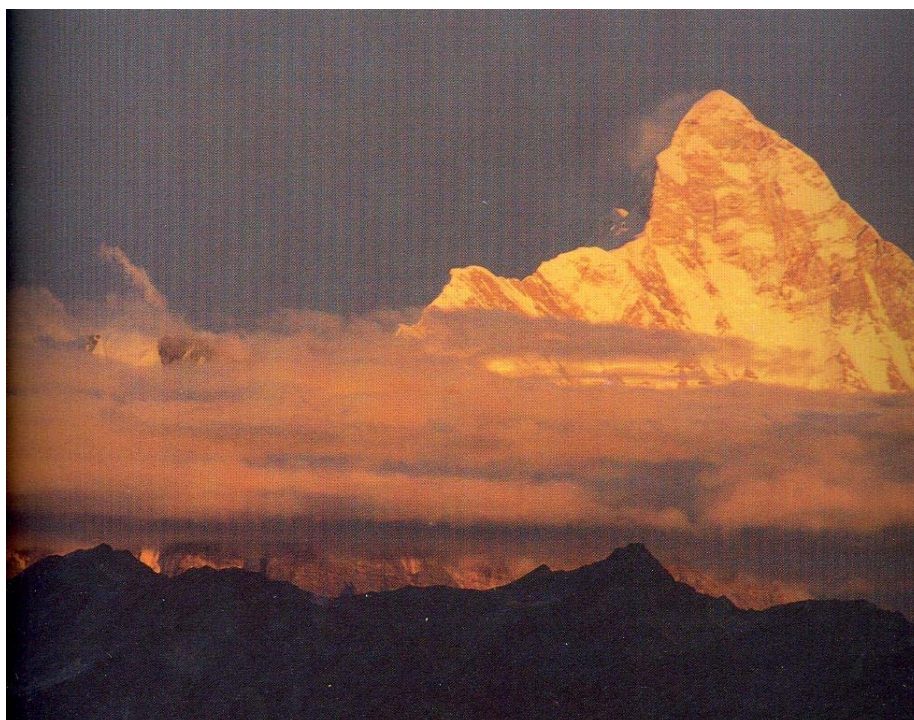


ناندادوی ۷۸۱۶ متر

یال جنوبی

ناندادوی (Nanda Devi)، بلندترین قله ای که به طور کامل در هندوستان قرار دارد، شاید شاهانه ترین قله در تمامی هیمالیا باشد. اما نمی توان آن را توصیف کرد و به محیط پهناور آن اشاره ای نمود. ارتفاعات اطراف آن تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری به ندرت به کمتر از ۶۰۰۰ متر می رسند و البته هیچ نقطه ای کمتر از ۵۰۰۰ متر نیست. به استثناء غرب که تمامی حوزه آبخیز کوهستان، دره عمیق و حیرت انگیز ریشی (Rishi) را بوجود آورده است. قله ناندادوی در این منطقه مجزا نیست و از طریق یک یال باریک پرتقاب ۳ کیلومتری به قله ناندادوی شرقی (۷۴۳۴ متر) متصل است. در سال ۱۹۰۵ تام لانگ استف (Tom Longstaff) از روی گردنه ای درست در جنوب قله شرقی این منطقه را از نظر گذراند؛ و هم او بود که جانشین خود اریک شیپتون را تشویق نمود تا راهی را برای ورود به منطقه در سال ۱۹۳۴ پیدا کند.

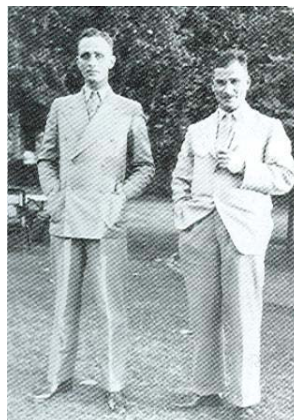
شیپتون از دوست خود بیل تیلمن (Bill Tilman) دعوت نمود؛ کسی که در زمینه اکتشافات و کوهنوردی سبکبار به منظور کسب لذت، سرعت و موفقیت، با او هم عقیده بود. با تنها ۳ شریا به سرپرستی آنگتارکای (Angtharkay) افسانه ای این گروه کوچک کارا و متکی به خود مسیری پر مخاطره در امتداد دره ریشی گانگا پیدا نمود تا به آن منطقه دست یابد. آنها ۳ هفته در ماه ژوئن در این منطقه به اکتشاف و نقشه برداری قسمت های شمال ناندادوی پرداختند و توانستند سه صعود به قله حلقه خارجی منطقه، از جمله ساکرام (Sakram) (۶۲۵۴ متر)، انجام دهند. با آمدن مونسن منطقه را ترک گفتند و بار دیگر در ماه سپتامبر بازگشته تا اکتشافات خود را در دامنه های جنوبی قله تکمیل کنند. آنها تا ارتفاع حدود ۶۲۵۰ متری در امتداد یال جنوبی پیش رفتند و توانستند قله مایکتولی (Maiktoli) ۶۸۰۳ متری را صعود نمایند. شیپتون و تیلمان بعد از آن شناسایی در خور توجه به این نتیجه رسیدند که بیشترین بخت صعود ناندادوی از طریق یال جنوبی است. آنها این سفر اکتشافی فوق العاده را با خروج از ساندردهونگا خال (Sunderdhunga) در سمت جنوبی منطقه به اتمام رساندند.



ناندادوی، الهه، در غروب خورشید بر فراز دامنه های هیمالیا سر برافراشته است. سمت چپ تیغه پرشیب شمالی است که توسط آمریکایی ها در ۴۰مین سالگرد اولین صعود در سال ۱۹۷۶ صعود شد. مسیر اولیه یال جنوبی درست پشت سر خط الراس سمت چپ قرار دارد. (اندی سلترز (Andy Selters))

دو سال بعد یال جنوبی ناندادوی صعود شد؛ فاتحان قله تیلمن و نوئل اودل (Noel Odell) بودند. هیئت آنها یک هیئت مشترک آمریکایی/بریتانیایی متشکل از فقط ۷ نفر بود که با روشی بسیار سبک اقدام به صعود نمودند. هیچ طناب ثابتی نصب نشد و شریاها فقط تا ارتفاع ۶۲۰۰ متر بار حمل کردند. موضوع جالب توجه این بود که تا آن زمان چنین مسیر دشواری در هیمالیا، بخصوص در آن ارتفاع صعود نشده بود. ۱۶ سال گذشت تا قله ای بلندتر از آن، یعنی آناپورنا، صعود شود. شیپتون در آن سال درگیر اورست بود و نتوانست آنها را همراهی کند. اما به عنوان پیش قراول روش صعود و اکتشاف منطقه به اندازه کافی اعتبار داشت که بتواند در باره صعود آنان اظهار نظر نماید. او در این باره گفت: "صعود ناندادوی بزرگترین دستاورد هیمالیا نوردی بوده است." این امر در طی ۶۰ سال بعد همچنان برای بسیاری از کوهنوردان صحت دارد.

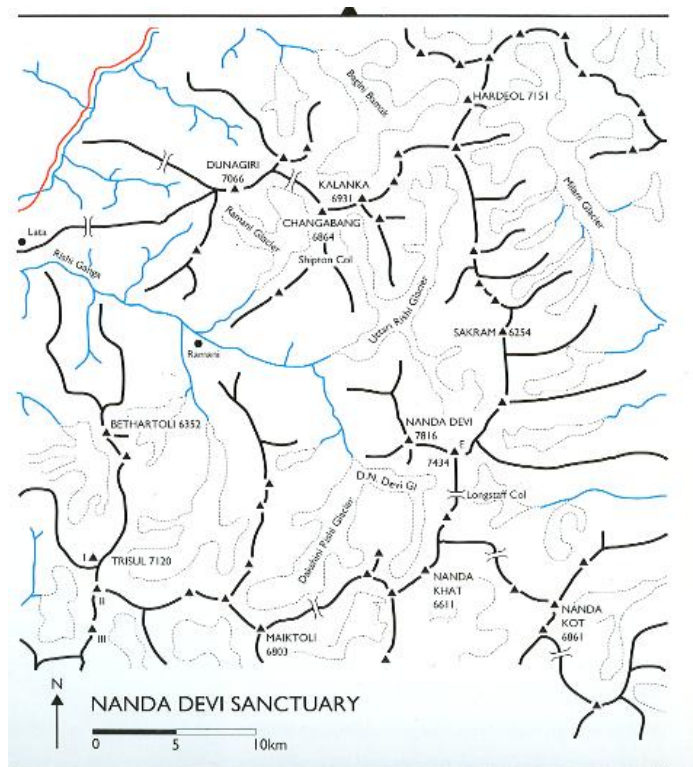
اریک شیبیتون (سمت چپ) و بیل تیلمن (سمت راست) علی رغم، و شاید به دلیل، تفاوت بسیار زیاد شخصیتی یکی از موفق ترین زوج های کوهنوردی را تشکیل دادند. برنامه شناسایی ناندادوی در سال ۱۹۳۴ اولین برنامه مشترک آنها بود که کارآیی تهور و روش سبکبارانه آنها را به خوبی نشان داد. (مجموعه اودری سالکلد (Audrey Salkeld))



کوهنوردان لهستانی اولین قدم خود را در هیمالیا در سال ۱۹۳۹ برداشتند؛ در آن سال هیئت ام. کارپینسکی (M. Karpinski) اولین صعود ناندادوی شرقی را به انجام رساند. آنها با صعود به گردنه لانگ استف (۵۹۱۰ متر) از سمت شرق، یال جنوبی را صعود نمودند. این مسیر در سال ۱۹۵۱ بار دیگر توسط لوئی دوبوست (Louis Dubost) و تنزینگ نورگای (Tenzing Norgay) صعود شد. آنها در واقع تیم پشتیبان یک هیئت بلند پرواز هندی/فرانسوی بودند که قصد داشتند دو قله را تراورس کنند؛ اما هیچ اثری از روزه دوپلا (Roger Duplat) و ژیلبر وینی (Gilbert Vignes) نیافتند؛ این دو که قصد داشتند قله را صعود نموده و تراورس را ادامه دهند آخرین بار ۸ روز قبل در بالاترین نقطه صعود شده ۱۹۳۶ دیده شده بودند. همچون مالوری و ایروین آنها نیز بدون هیچ اثری ناپدید شدند. یک هیئت دیگر هندی/فرانسوی در سال ۱۹۷۵ موفق شد دو قله را صعود نماید اما مجبور شد به علت نزدیک شدن مونسن از تراورس بین دو قله صرف نظر نماید. بالاخره یک هیئت بسیار منظم هندی/ژاپنی به سرپرستی مشترک کی. کانو (K. Kano) و جاگجیت سینگ (Jagjit Singh) موفق شد در سال ۱۹۷۶ این تراورس را به انجام رساند.

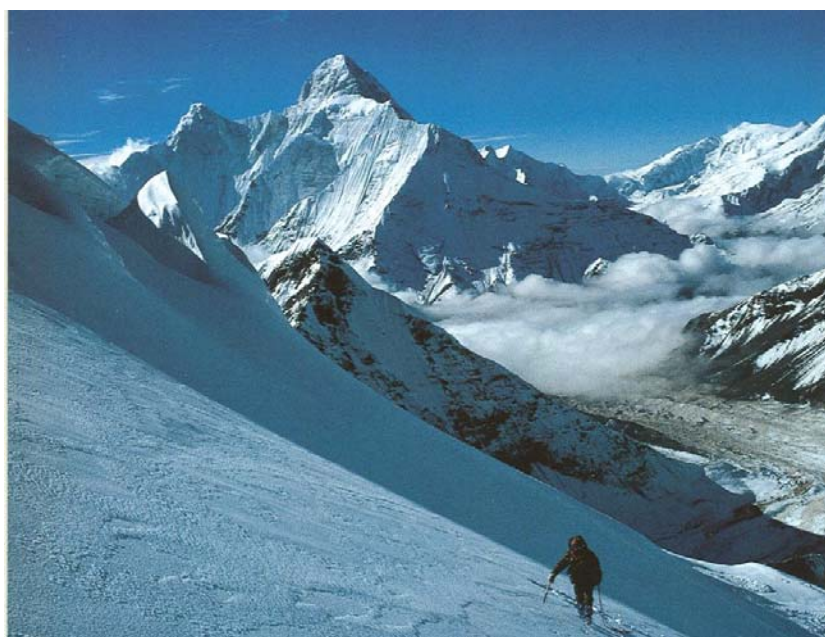
در سال ۱۹۷۶ اد کارتر (Ad Carter) آمریکایی که در اولین صعود ناندادوی نیز حضور داشت به این کوه بازگشت. او به مناسبت چهلمین سالگرد اولین صعود هیئتی را سرپرستی نمود تا با روش محاصره ای مسیری جدید را بر روی رخ شمال غربی و تیغه شکوهمند شمالی صعود نماید. تیغه شمالی با صخره های دشوار تا درجه VI در هوای خراب صعود شد. این قسمت را تقریباً به طور کامل جان روسکلی (John Roskelley) خستگی ناپذیر به عنوان نفر اول صعود نمود. او در نهایت به همراه لو ریشار (Lou

Riechardt) و جیم استیت (Jim State) قله را صعود نمود. اما این دستاورد چشمگیر آنها را راضی نکرده بود و هنوز سودای صعودهای دیگری را در سر داشتند اما در آخرین لحظات با مرگ دختر ویلی آنسولد (Willi Unsoeld) در ارتفاعات ناندادوی، که از قضا او هم ناندادوی نام داشت، برنامه آنها ناتمام ماند. ناندادوی آنسولد زنی زیبا و با نشاط بود که باربران او را دیدی (Didi) یا "خواهر" می خواندند؛ حتی برای بعضی از آنها این امر مشتبه شده بود که او همان الهه کوهستان است که برای ابد به سرای خود بازگشته است.

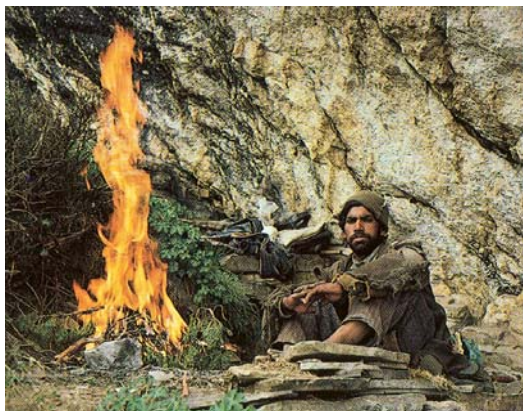


مشکلترین چالش قله اصلی، یعنی رخ ۳۰۰۰ متری شمال شرقی، توسط تیم ۱۰ نفره چک به سرپرستی جوزف راکونساز (Josef Rakoncaj) در سال ۱۹۸۱ صعود شد. دو کوهنورد بریتانیایی که روش سبکبار آنها برای صعود فراتر از زمان آنها بود در سال ۱۹۷۸ بر روی تیغه مشخص مرکزی تلاشی متحورانه انجام داده بودند اما با برخورد به برف های قارچی شکل "فراواقعی"، شکست را پذیرا شدند. حتی با یک تیم بزرگ و طناب های ثابت تیم چک برای صعود این مسیر به نهایت توان خود رسید؛ مسیری که مشکلترین قسمت آن دیواره انتهایی است که صخره هایی با درجه ۳/VI دارد.

هیئت سال ۱۹۸۱ آخرین گروهی بود که پا به این منطقه گذاشت. بعد از آن دولت هند ورود همگان را به این منطقه ممنوع ساخت. دلیل اعلام شده صدمات محیط زیستی بود. شش سال متوالی هیئت های کوهنوردی آسیب های زیادی به منطقه رسانده بودند. به عنوان مثال هیئت هندی/ژاپنی ۲۱ نفره ۱۹۷۶ به مقادیر متنابهی تدارکات نیاز داشت و فقط برای رسیدن به بارگاه اصلی چندین کیلومتر طناب ثابت کار گذارده شد. همچنین باربران که به دلیل نداشتن چراغ خوراکپزی نفتی مجبور بودند چوب بسوزانند به منطقه آسیب می رساندند. علاوه بر کوهنوردان و کوهپیمایان، چوپانان نیز با چرای دام هایشان در اکوسیستم حساس منطقه ممکن است تاثیر مخربی برجا گذارند. در سال ۱۹۹۳ یک گروهان مهندسی ارتش بار دیگر وارد منطقه شد و حدود یک تن زباله های قدیمی را جمع آوری نمود اما خود زباله های جدیدی برجا گذاشت - ۳۰۰۰ متر طناب در دره ریشی و ۲۰۰۰ متر بر روی یال جنوبی برای صعود قله که با موفقیت به انجام رسید.



آلن فایف (Allen Fyffe) در حال صعود مسیری جدید بر روی رخ جنوب شرقی کالانکا (Kalanka) در سال ۱۹۷۸. ناندادوی منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده است. تیغه عظیم شمالی آن که در تصویر دیده می شود توسط تیم جوزف راکونساژ چک سه سال بعد در سال ۱۹۸۱ صعود شد. رخ شمالی ناندادوی انتظار صعودهای نوین را می کشد. (باب بارتون (Bob Barton))



بالا؛ باربر هیئت ارس های زنده را در منطقه حفاظت شده ناندادوی می سوزاند. بعد از یک دوره بازگشایی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ مقامات هندی آسیب های زیست محیطی را علت مسدود شدن مجدد منطقه به روی بازدیدکنندگان عنوان نمودند. (اریک روبرترز) (Eric Roberts)

راست؛ محل شب مانی در دره ریشی (اریک روبرترز)

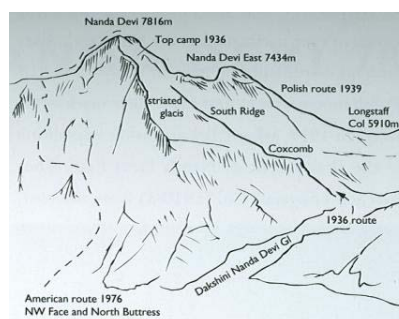
در سال ۱۹۹۴ دولت هندوستان منطقه را به طور موقت بر روی کوهپیمایان گشود. اگر کسی بخت آن را داشته باشد که پا بر این گوشه از هیمالیا گذارد بهتر است با تبعیت از اولین صعود کنندگان قله در سال ۱۹۳۶ با کمترین تدارکات و در قالب تیمی کوچک به صعود قله دست زند.

انتخاب ها در قله دوگانه ناندادوی وسوسه انگیزند. بلندترین چالش دست نخورده رخ شمال قله شرقی به ارتفاع ۲۶۰۰ متر است. همچنین تراورس سبکبار بین دو قله منتظر کوهنوردان بیباک است. تا کنون سه مسیر بر روی قله اصلی صعود شده است. مسیر چک ها بر روی رخ شمال شرقی قطعا دشوارترین آنهاست. مسیر آمریکایی ها بر روی رخ شمال غربی/تیغه شمالی معقول تر است اما مشکلترین قسمت آن مسیر نیز بالای ۷۰۰۰ متر است و تراورسی در ابتدای مسیر دارد که توسط بهمن تهدید می شود. و

همچنین مسیر اولین صعود به عنوان امن ترین مسیر صعود به قله و نیز ادای احترامی به اولین مکتشفین منطقه و صعود کنندگان قله.



قلل دوگانه ناندادوی با آن تقارن مجذوب کننده تا اندازه ای شبیه شیولینگ، ولی درابعادی بسیار بزرگتر است. (اریک روپرتز)



یال جنوبی با یک پیچ بزرگ از سمت راست به سمت چپ رخ جنوبی امتداد می یابد. از بارگاه اصلی در یخچال داکشینی (Dakshini) ناندادوی، این مسیر از سمت راست یال دندانان ای کاکسکومب (Coxcomb) گذر کرده تا جایی که می توان به چپ پیچید و خود را به یال اصلی در ارتفاع ۵۶۰۰ متری رساند. یال با انحرافات گاه و بیگاه به سمت شرقی امتداد می یابد. سنگ ها عمدتاً ریزشی اند و هر جا امکان آن باشد بهتر است از روی برف ها حرکت کرد. در ارتفاع حدود ۶۵۰۰ متر یال پهن تر شده و به یک شیب زین اسبی تقریباً ۳۰ درجه تبدیل می شود. تیم ۱۹۳۶ بارگاه چهارم خود را در بالای این زین

برفی برپا کرد. بالای آن پرمخاطره ترین قسمت مسیر قرار دارد؛ شیبی تند از سنگ های شیاردار که تیم ۱۹۳۶ توانست از طریق یک دهلیز کوچک برفی از صعود آنها پرهیز کند. در بالای این قسمت آخرین بارگاه در ارتفاع ۷۳۰۰ متر قرار دارد که محل تلاقی یال جنوبی و تیغه ای مشخص از سمت چپ است و مثلثی را تشکیل می دهد که بارگاه آخر در راس آن واقع شده است.



در سال ۱۹۷۷ یک کوهنورد تقریباً وسط یال جنوبی قسمتی باریک را صعود می کند. چادرهای دو بارگاه، پایین تر از پای او مشخص هستند. کاکسکومب درست در انتهای یال قرار دارد. به طناب های ثابت دقت کنید که در سال ۱۹۳۶ به وجود آنها نیازی دیده نشد. (اریک روبرتز)

نوئل اودل که سابقه فعالیت روی اورست را داشت برای صعود نهایی به همراه دکتر جوان آمریکایی، چارلز هیستون انتخاب شد. اما هیستون به علت مسمویت شدید غذایی مجبور شد بازگردد و در نتیجه جای او را بیل تیلمان پر نمود. صبح روز ۲۹ آگوست دو انگلیسی بارگاه را ترک کردند تا برای صعود درگیر یالی باریک شوند که آنها را به دیواره قله رهنمون می ساخت. خود تیلمان مسیر را به بهترین شکل توصیف کرده است:

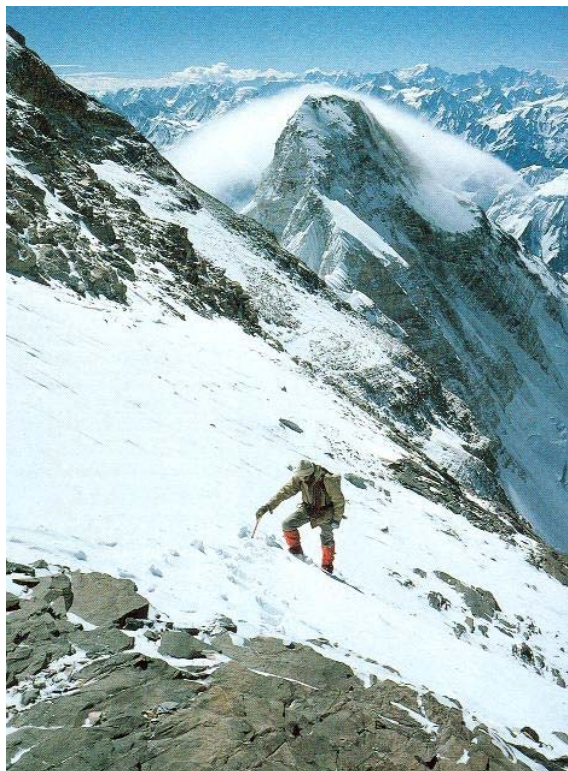
"یک یال دشوار به طول حدوداً ۳۰۰ یارد که اگر چه شیب کلی آن ملایم بود اما چندین پله برفی و سنگی داشت. سمت چپ با شیب تقریباً عمودی به دره بزرگی منتهی می شد که در اطراف آن صخره های

خاکستری خوفناکی قرار داشت؛ همان صخره هایی که زیربنای برفچالی بودند که ما به سمت آن می رفتیم. سمت راست نیز شیب بسیار تندی داشت که متعلق بود به نوار صخره ای بزرگی که تا ناندادوی شرقی ادامه می یافت. یالی که روی آن بودیم شبیه فراز راهی بود بین قسمت پایین رخ جنوبی و برف چال بالادست."

"موضوعی که بیش از هر چیز ما را به وجد آورد این بود که سنگ های ریزی به صخره های محکم شیست-کوارتزیت (schistose-quartzite) منتهی شدند که برای ما به عنوان کوهنورد و علی الخصوص برای همنورد زمین شناسم بسیار جالب توجه بود."

تیلمان در ادامه چند شوخی دیگر هم در باره همنورد "زمین شناسش" می کند و سپس به توصیف ادامه مسیر می پردازد. بعد از گذر از آن "فراز راه" یک برف چال کم شیب آنها را به دیواره انتهایی رهنمون ساخت که از سمت چپ آن را صعود نمودند. ساعت ۳ بعد از ظهر آنها بر فراز قله تخت و برفی ناندادوی ایستادند و تیلمان با این کلمات فراموش نشدنی از آن یاد می کند: "به قدری از خود بیخود شده بودیم که فراموش کردیم دست هم را بفشاریم." موفقیت از پی یک همکاری و هماهنگی گروهی بدست آمده بود و به همین دلیل وقتی تلگرام صعود موفقیت آمیز قله را برای تام لانگ استف فرستادند اشاره ای به نام صعود کنندگان نکردند فقط اینکه "دو نفر در روز ۲۹ آگوست قله را صعود نمودند." با استانداردهای امروزی مسیر یال جنوبی صعودی سخت و فنی نیست. اما مسیری طولانی و ترکیبی بر روی یکی از بلندترین قله دنیاست. مسیر جای جای خطرناک است و پیدا کردن محل بارگاه مناسب چندان آسان نیست. به این دلایل به نظر می رسد یک گروه کوچک کارآیی بسیار بیشتری بر روی این مسیر داشته باشد. بعد از هم هوایی روی قله کوتاهتر منطقه، صعود سبکبار این مسیر کلاسیک بر روی ناندادوی کاملاً امکان پذیر است.

گیلبرت هارد (Gilbert Harder) در روز صعود قله در سال ۱۹۷۷. پشت سر او یال طولانی و دشواری که ناندادوی را به قله شرقی وصل می کند دیده می شود. روزه دوپلا و ژیلبر وینییه در همین یال در سال ۱۹۵۱ ناپدید شدند. کمی سمت راست پشت ناندادوی شرقی پانچ جولی II و بعد از آن قله مرتفع تر همیالیای غربی دیده می شوند. (اریک روپرتز)



ناندادوی	نام کوه
منطقه حفاظت شده ناندادوی، گاروال، هندوستان	مکان
۷۸۱۶ متر	ارتفاع
یال جنوبی. ۲۶۰۰ متر صعود از بارگاه اصلی بر روی مسیری ترکیبی. حجم زیاد برف مشکلات سنگ های ریزشی را کاهش می دهد. بالاتر از ۷۳۰۰ متر صخره های محکم کوارتزیت برای صعود بهترند.	مسیر
اولین صعود قله در ۲۹ آگوست ۱۹۳۶ توسط نوئل اودل و بیل تیلمن (بریتانیا).	اولین صعود
به توضیح قبل مراجعه کنید.	اولین صعود مسیر
۵۲۰۰ متر در کنار یخچال داکشینی ناندادوی	ارتفاع بارگاه اصلی
لاتا (Lata) در دره دائولی گانگا (Dhaulti Ganga)	جاده انتهایی

<p>تقریباً ۱۲۰ کیلومتر و ۷ روز راهپیمایی. اما برف در گردنه دهارانسی (Dharansi) و مشکلات فنی دره ریشی ممکن است بر این زمان بیفزاید.</p>	<p>طول مدت پیاده روی</p>
<p>اولین صعود در اواخر فصل مونسن در هوایی متغیر ولی قابل قبول انجام شد. اغلب دیگر هیئت‌ها زودتر و در ماه ژوئن به قله رسیده‌اند. فصل بعد از مونسن ممکن است خوب باشد اما اغلب اوقات در این قسمت از همیالیا از دوره خوب هوای ماه اکتبر خبری نیست.</p>	<p>فصل صعود</p>
<p>بنیاد کوهنوردی هندوستان، دهلی نو</p>	<p>مجوز</p>
<p>اغلب تلاش‌ها بر روی مسیر ۱۹۳۶ موفق بوده‌اند و تا سال ۱۹۹۳ حداقل ۹ بار صعود شده است.</p>	<p>ضریب موفقیت</p>
<p>کتاب Nanda Devi (The Six Mountain-Travel Books, Diadem/Mountainers, ۱۹۸۵) نوشته اریک شیپتون یکی از داستان‌های کلاسیک در باره کوهنوردی است. کتاب Ascent of Nanda Devi (The Seven Mountain-Travel Books, Diadem/Mountaineers, ۱۹۸۳) نوشته تیلمن توصیفی از اولین صعود ۱۹۳۶ را در بر دارد. کتاب Nanda Devi – The Tragic Expedition (Stackpole Books, ۱۹۸۷) نوشته جان روسکلی در باره صعود بحث‌انگیز آمریکایی‌ها بر روی یال شمال غربی در سال ۱۹۷۶ است. همچنین نگاه کنید به گزارش لو ریشاردت (Lou Reichardt) و ویلی آنسولد در AAJ مجلد ۱۹۷۷. تری کینگ (Terry King) گزارشی فکاهی در HJ مجلد ۳۶ دارد. همچنین جوزف راکونساژ در مجله Mountain شماره ۸۳ گزارش صعود موفق آمیز خود را به رشته تحریر درآورده است. گزارش‌های متعددی از صعودهای مسیر اولیه در بین سال‌های ۸۲-۱۹۷۶ در HJ و AAJ وجود دارد.</p>	<p>کتاب شناسی</p>